

سلسلہ مباحث اخلاق و عرفان (۲۱)

سفر بہ کعبہ جانان

بخط الباقی خاص سالک

در خدمت استاد الہی

تقریرات

استاد علی اللہوردی بھائی

|                     |                                                                |
|---------------------|----------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : اللهوردیخانی، علی، ۱۳۰۱ -                                    |
| عنوان و نام پدیدآور | : وظایف خاص سالک در خدمت استاد الهی / تقریرات علی اللهوردیخانی |
| مشخصات نشر          | : تهران: توسعه دانش، ۱۳۹۵.                                     |
| مشخصات ظاهری        | : ۱۴۸ ص.                                                       |
| فروست               | : سلسله مباحث اخلاق و عرفان. سفر به کعبه جانان؛ [ج. ۲۱].       |
| شابک                | : ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۹۳۵-۴-۲                                            |
| وضعیت فهرست نویسی   | : فیفا                                                         |
| یادداشت             | : کتابنامه.                                                    |
| موضوع               | : آداب طریقت                                                   |
| موضوع               | : Customs of the order*                                        |
| موضوع               | : عارفان -- راه و رسم زندگی                                    |
| موضوع               | : Mystics -- Conduct of life                                   |
| موضوع               | : عرفان                                                        |
| موضوع               | : Mysticism                                                    |
| موضوع               | : اخلاق اسلامی                                                 |
| موضوع               | : Islamic ethics                                               |
| شناسنامه            | : سلسله مباحث اخلاق و عرفان. سفر به کعبه جانان؛ [ج. ۲۱].       |
| رده بندی            | : ۱۳۹۵ ج. ۲۱، ۷۵ الف ۷/۳ BP۲۸۸                                 |
| رده بندی دیویی      | : ۲۹۷/۸۱                                                       |
| شماره کتابشناسی     | : ۲۰۲۳۳                                                        |

سفر به کعبه جانان



عنوان • سلسله مباحث اخلاق و عرفان  
وظایف خاص سالک در خدمت استاد الهی

تالیف و تدوین • علی اللهوردیخانی

ناشر • توسعه دانش

نوبت چاپ • اول، ۱۳۹۵

چاپ • خانه چاپ پایدار

تیراژ • ۱۵۰۰ جلد

قیمت • ۴۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ساختمان ۳۱۰، طبقه زیر همکف

تلفن: ۶۶۴۱۵۴۵۹-۶۰

سایت: [www.elmo-danesh.ir](http://www.elmo-danesh.ir)

## فهرست مطالب

|    |                               |
|----|-------------------------------|
| ۷  | پیشگفتار                      |
| ۹  | مقدمه                         |
| ۱۷ | ضرورت استاد در سلوک           |
| ۲۳ | استاد م. و اساتید خاص         |
| ۲۶ | اطباء روحی                    |
| ۲۷ | فراگیری علم ص. و روح          |
| ۳۳ | معنای حقیقی صحت و مرض         |
| ۳۸ | آداب احرام در طریقت           |
| ۴۶ | خلوت ظاهر و خلوت باطن         |
| ۴۹ | رهایی از شیر شرک              |
| ۵۴ | توبه و تجرید از ماسوی         |
| ۶۰ | قابلیت، شرط بهره‌مندی         |
| ۶۷ | اقتضاء محفل بزرگان            |
| ۷۱ | فرا رفتن از عالم صورت         |
| ۷۸ | شرایطی از دعا و نماز          |
| ۸۴ | ضرورت سیر در معانی باطنی کلام |
| ۹۶ | عطیه عشق و علایم آن           |
|    | پرورش عقل باطنی               |

- ۱۰۵ حضور با عشق و اخلاص
- ۱۱۳ تلاش برای ورود به عوالم معنوی
- ۱۲۱ اشتیاق به زیارت نور محض
- ۱۲۶ مجاهدت برای حفظ مقام معنوی
- ۱۳۰ زیارت حضرات معصومین و عنایات الهی
- ۱۳۵ خلاصه‌ای از وظایف سالک
- ۱۳۹ فهرست آیات
- ۱۴۳ فهرست احادیث
- ۱۴۵ نزیده و جمع و مآخذ
- ۱۴۷ فهرست جداول سفر به کعبه جنان

## پیشگفتار

کتاب حاضر بخشی از مجموعه تقریرات استاد فقید جناب علی‌الله ردیخانی در طی نیم قرن گذشته است که در جلسات تربیتی خویش بیان فرموده‌اند.

این گنجینه ارزشمند از حقایق عالیه دین مقدس اسلام، سالیان متمادی از سراسر عموم به دور بوده تا این که در سالهای اخیر توسط متعلمین انسان، تنظیم و به توفیق الهی برای استفاده شیفتگان مکتب اهل بیت عصمت و طهارت<sup>(ع)</sup> به زیور طبع آراسته شده به امید آن که به راه پیشگاه حق واقع گردد.

ضمن سپاس و قدردانی از زحمات شاق و فیسای معظمه، از این که در زمان حیاتشان اجازه تدوین و تنظیم این مجموعه را یافته‌ایم به درگاه الهی شکرگزاری و پیشاپیش از هرگونه سهو و خطای احتمالی به هنگام یادداشت برداری یا تنظیم و بازنویسی مطالب، پوزش می‌طلبیم. امید است که خوانندگان محترم بالاخص صاحب‌نظران و اهل فضل با نظرات عالیه خود ما را در چاپ‌های بعدی این آثار یاری فرمایند.

## مقدمه

سپاس موفور و ستایش نامحصور بر صرف وجودی که مستور است از غایت ظهور و محجوب است از شدت نور. از روح در ذات برتر است از درک هر عارف، و از تفرّد در صفات برتر است از وصف هر واصف. اوست مختص به وجود و عدم، و ماسرائ اوست مخصوص به حدوث و عدم. اوست ابتدای هر وجود و اوست انتهای هر موجود.

درود بر سرور فرستگار الهی، مهتر عالم، خاتم انبیاء، محمد (ص) و آل طاهرینش سبب آن که به سبب انقطاع و تسلیم محض، به منزلگه جانان رسید. به منزل «مَدَن» رسید و بر بساط «فَتْدَلِی» قدم نهاد و به «قَابِ قَوْسَیْنِ» تکیه برداشته، بر بالش عزّت «اَوْ اَدْنٰی» تکیه نمود و شراب عشق نوشید و رده ست شنید و به وصال او نایل گشت.

خداوند متعال آن محبوب الهی را اول به کمالات الهیه متادّب نمود، سپس او را الگو و اسوه انسان‌ها قرار داد، و او را به اقتداء او امر کرد. این معلّم اول انسان‌ها نه تنها معانی ظاهریه قرآن و احکام فرعی آن را به صورت سنن و قول و فعل و تقریر بیان فرمود، بلکه حکم و معارف غیبی و لطایف شهودی و براهین عقلی و آداب سیر و سلوک مردان الهی و سنن تهذیب متخلّقان خدایی را نیز بیان فرمود.

سالکین الهی باید راه معلم اول بشر را طی نمایند و مراحل را پیمایند که این محبوب خدا پیمود. مسلماً بدون مراجعه به حق و این بزرگوار و عترت گرامی او، به مقصد نتوان رسید. چه، هرگونه حرکتی که به محبت حق و اولیاء گرامی او انجام نیابد، به هدف نرسد.

البته معلم ازلی، خدای تبارک و تعالی است و جز او کسی «لَمْ آفَرِینْ نِیْسْتِ «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» اما در عالم امکان، معلمین متعدّدند. گرچه در بین اهل نظر چنین رایج است که معلم اول، ارسطو و معلم ثانی، فارابی است، لکن اهل تحقیق آنند که معلم اول بشر، حضرت رسول اکرم (ص)، معلم ثانی حضرت اوصیاء و معلم ثالث، حضرات اولیاء و علمای ربانی می باشند.

معلمین واذنی ایشان که سالها در مکتب الهی تربیت یافته و به راه و رسم بزرگان راه را از تعلیم و تربیت واقف گشته و مراحل معلمی را طی کرده باشند. آری تا انسان مجذوب جاذبه الهی نگردد و کشتی برای او انگار و تعلیم و تربیت الهی نباشد، نمی تواند مراحل تکامل را پیماید. موفق به شکوفایی استعدادهای خود و سایرین گردد، بلکه چه بسا مغایرت دشمنان بیرونی و بالآخر درونی شده، از مقام شامخ انسانیت ساقط گردد.

وقتی خداوند متعال بخواهد فردی را به سعادت برساند، به او رشد عقلی کرامت می نماید تا از صحبت کسانی که در طریقه باطل هستند، اجتناب ورزیده و به اهل صلاح و تقوی راغب گردد، که پیغام دوست روح را تقویت می کند.

دریغاً که پیغام دوست همیشه می رسد و به همه مبذول

است، اما با غیر آشنا سازش ندارد. سخن شمع را باید به پروانه دل گفت، این حدیث تنها با سوختگان سازش می‌نماید. با پای پر آبله باید طریق حق را سیر نمود و مشقت و رنج سفر را هموار کرد. بزرگان فرموده‌اند که در طریق حق، دم نباید زد، گام باید برداشت.

محفل عالم ربّانی و عارف واصل، در معنی طور، سناسست و از چنان محفلی، بوی جنت و بلکه رایحه عرش معانی می‌آید. کلام عالم حقیقی ظاهراً بیان اوست، اما در معنی کلام خداست، که به زبان او جاری می‌شود. چنین مردان الهی را علام و آینه‌هایی است که باید جویندگان و رهروان طریق الهی آنان نشاءها آنان را بشناسند.

بر مردم، سی‌الخصوص بر سالکین الهی است که این شخصیت‌های والامقام را ببینند و از آنان استقبال نمایند، و بدانند که سرانجام تکیه بر خود، سقوط در ورطه هلاکت است. عنایت ازلی اقتضاء می‌نماید هیچ‌گاه خداوند تبارک و تعالی بشر را بی‌حجت نگذارد.

اگر صلاح در این است که حضرت و رلای زمان سلام‌الله علیه ظاهراً در پرده غیبت باشد، باید در هر عصری، نفس کامله یا نفوس کامله یا علمای ربّانی باشند که فرموده ایشان را، تعلیم و اوامر الهی را تبلیغ کنند، و این حکم عقل سلیم است.

این عالمان ربّانی و عارفان حقیقی را علایمی است و آثاری «وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ...». آری منظور از پیر راه، شیخ و عارف و استاد الهی، در حقیقت فقهاء والامقام شیعه هستند که به

فرموده امام صادق (ع)، دارای شرایط چهارگانه مذکور در حدیث فوق می‌باشند. به طوری که اگر شرایط مذکور به حد کمال تحقق یابد، به مقام علمای ربانی و واصلین و مخلصین نایل آیند.

در این شناخت، معیار صدق و کذب، و محور تصدیق و تکذیب، عقل است چنان که حضرت رضا علیه السلام فرموده: «الْعَقْلُ يُعْرِفُ بِهِ الصَّادِقُ عَلَى اللَّهِ فَيُصَدِّقُهُ وَالْكَاذِبُ عَلَى اللَّهِ فَيُكَذِّبُهُ». این مردان الهی، کسانی هستند که از تعلقات دنیوی رهایی یافته‌اند، خلوصشان معدن تقواست، چنان که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الْكُلُّ شَيْءٍ مَعْدِنٌ وَمَعْدِنُ التَّقْوَى قُلُوبُ الْعَارِفِينَ». برای هر چیزی معنی است و معدن تقوی، دل‌های عارفان است. آری غافلانی ده گرد دام محبت پرواز می‌کنند، آنانند که به کلی خود را تصفه نموده‌اند.

آثار الهیه حیات واقعی در سینه‌های سوزان و چشم‌های اشکریزان و دل‌های درخشان عالمان ربانی و عاشقان الهی سرچشمه می‌گیرد. اثری از آثار آن حیات الهیه عارفان و عاشقان، کلام ایشان است. آثار و خواص باطنی کلام آنان بر کسانی روشن است که مراتب بصیرت دیدگان باطنی‌شان در حد کمال است.

بهترین کلامی که معتکفان صوامع قدس، دیباچه «کتاب مَرْقُومٌ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ» موشح نمایند، و عالی‌ترین مقامی که محرمان مجامع انس، فهرست «انْ كِتَابُ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيْن» زینت دهند، عشق است، عشق به خدا. لذا بالاترین وظیفه علمای ربانی و اولیاء الهی نسبت به متعلمین مکتب ربوبی، تعلیم عشق است. آنانند که متعطشان وادی ضلالت را به

شراب طهور «عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ» سرمست سازند و به جام «وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ» سیراب گردانند.

غذای روح، معارف است و این معارف، مقامات و درجات اوست، جَنّت اوست بلکه فوق آن، که بهشت آفرین را یافته است. اگر آدمی روح خود را از معارف باز دارد، در این صورت، آن ذخایر آکنده از زخارف شده، درکات اوست؛ این است حقیقت. باید بدانیم که قلم ردّ بر معرفت فکری زدن و خط بطلان بر منشورات براهین عقلی کشیدن، در واقع خط بطلان بر هستی خویش زدن است.

عالم ربّانی و عارف الهی می‌کوشد تا چراغ دقایق و لحظات انسان را از مشعل همواره روشن لاهوت که خویشتن استضاء کرده بیفروزد. او در آتش عشق ربوبی می‌سوزد و از مشرب قدس احمدی (ص) مکتب انس علوی، درس عشق و کشف و عروج می‌آموزد.

او می‌خواهد جامهٔ جان انسان‌ها را در کوثر آرامش فروشوید تا دست از سفرهٔ سیاه عالم طاقت برکشند. هر کلمه‌ای که عالم ربّانی و عارف الهی بر زبان راندی رحمت گوید، و هر اشاره‌ای بر جان مشتاقان کند، گره از طره رحمت می‌گشاید. از این روست که با اتکاء به نفس و بدون تکیه بر محضر مردان الهی، بصیرت باطنی انسان به مقام تحقق نمی‌رسد.

مردان الهی کسانی هستند که به مقام شهود رسیده‌اند. نوشته‌ها و کلام آنان، آثار و علایم و تجلی علم شهودی آنان است. علم شهودی در کاغذ و کتاب و کتیبه و پوست نمی‌گنجد؛ علمی است که در صحیفه اول است و راقم الهی در آن رقم می‌زند و نغمهٔ «كُتِبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانُ» را در لوح

دل ایشان می نگارد.

اما هر دلی را این قابلیت و شایستگی نیست. آینه دلی که زنگ زده و مکدر است، قابل انعکاس نیست و نشان نمی دهد مگر لیلی مجازی را. آن آینه ای که لیلی حقیقی را، معشوق ازلی را می نمایاند، خود حقیقی است نه خود مجازی.

این است که یکی از ارکان نکات دقیقه و رقیقه برای هر معلم و مربی الهی، پاکی نفس و صفای دل است که تا این معنی یا نور الهی در او تحقق نیابد، حصول نتایج الهیه از تعلیم و تربیت او، بی معنی و بی محتوا بوده و از امور محالیه به شمار می آید. اسلام عالی ترین دانشگاهی است که بنیاد آن بر طهارت نفس بنا شده است.

آری، مربی هم علاوه بر مطالعه کتب عالیه و تلاش در تحصیل علوم و مهارت ها، باید اول از همه نفس خود را در بوته ریاضت بگذازد و تصویه کند. به واسطه اکسیر عشق و تقوی، مس دل خود را مبدل به طلا کند و آلا سزاوار این منصب خدایی نخواهد بود.

متعلمین مکتب الهی، آن جوانمردان را حق بدانند آن که خیمه در کوی عشق زند، از دیدن جفاها و بلاها، فارغ نخواهد شد. او را به زنجیر ضجرت از در حلقه بی نیاری، حلق نازش را بیاویزند. اما آن که قدم در بساط دنیا نهاد، عاشق دنیا شد، علمای ربانی و واصلینی که خیر عاقبت نصیب آنان گشته، از همان مراتب عقلی و امکانات تعلیمی و تربیتی برخوردارند که یک سالک الهی بهره مند است، با این تفاوت که آنان تا پایان عمر ملبس به لباس تقوی شدند و آلا تنزل و یا سقوط می کردند.

مسلماناً علامتی از علایم پیروزی خصم بر انسان و به

خصوص بر رهرو الهی، این است که ظواهر به او راه یابد و سیرش در ظواهر گردد، هرچند ظواهر علم باشد. اما توصیه اکید بزرگان این است که سالکا در رفع حجب کوش نه در جمع کتب، که علم بدون عمل و تزکیه و بدون تواضع، به کار ناید و بر حجاب افزاید.

رهبران الهی، آن معلمین دلسوز و مربیان حقیقی بشر، سرّ مُرد و انحراف انسان‌ها را چنین بیان می‌فرمایند که پیروی از لذات و شهوات کاذب نفسانی، موجب سرپیچی از پیروی مصلحین و بزرگان دین می‌گردد.

رکه تاج هوی‌های نفسانی شود، لذات و شهوات او را به هبوطی کشد. که بر آن فروغ فطرت و عقل رو به خاموشی گراید و در آن هبط، صرت و فضایل انسانی ساقط گردد و بسا که به انکار حقایق و با اهل حق منتهی شود.

کسانی که در صدد اسرار حقایق برآمده و بدون تحقیق دربارهٔ مردان الهی قضاوت می‌کنند، مبتلا به بیماری جان‌سوز خودفریبی گشته‌اند. کجایند آن غفلت‌زدگان که اگر در ایشان درد طلب می‌بود، از بیماری کفر و نابینایی «صُمُّ بَكْمُ نَسْمُ لَا یَعْقِلُونَ» رهایی می‌یافتند.

اگر آدمی این حقیقت را می‌پذیرفت که جمال و کمال بی‌حد و مرز الهی در انتظار اوست، هرگز خود را بر راه پدیده‌های فریبنده کمال‌نما و زیبایی‌های زودگذر نمی‌باخت؛ و این مجنون‌های جوامع، آن من خداجو و بی‌نهایت‌گرا را در راه وصال لیلی دنیا نمی‌فروختند.

دروود بر آن سالکین زیبا دل که به توفیق حق، از احکام و اوامر الهی پیروی کردند، و بدین وسیله مراتب بصیرت و

مراتب نیروی ذائقه و شامه معنوی خود را به کمال رسانیدند. در تزکیه نفس کوشیدند و از جان و دل به استقبال حقایق رفته، به مضامین و مفاهیم آن عامل گشتند.

طوبی به حال عاشقان جمال که عزم سفر به دیار عشق نمودند، آنان را به حضور دوست برگماشتند. آنان را از نامحرمان جدا کردند؛ نامحرمانی که نابینا آمدند و نابینا رفتند. و چه سفر زیبا و با عظمتی است، آن سفری که عاشقان حق با قلبی سرشار از عشق، سرمست به محفل جانان رسند، چنان سرمستی که حتی از خود هم غایب گردند تا جز یاد او، یاد دیگر نکنند. رایحه بحر عشق خدا، جانشان را عطرآگین نماید و همه مزین به توبه نصوح گردند. از مرارت فراق، عاشقان را ناله و حال نشان دادند تا به شوق وصال آیند و نفحات آسمانی آن سیم جان پرور از مشرق جان عاشقان دل سوخته وزیدن گیرد. عطر شود جان و دل آنان هر سحری، تا به لطف حق در زمرة هل معرفت به شمار آیند؛ درود لایتناهی حق نثار آنان باد.

الهی، وصال ابدی خود را بر ما نصیب فرما. الهی بر ما خلوت دل عنایت فرما. الهی کسی را که خلوت دل نیست، چگونه ذکر تو گوید؟! آن که از ذکر تو بازماند، در خلوت عشق چه داند؟! عاشق دل سوخته باید تا حدیث درد عشق به تو گوید.

سلام و درود بی متها بر خمسة النجباء، آن عاشقان واصل و راهبران کامل و آل طاهرینشان باد.